

## دکتر رابرت ای. پترسون، الهیات به معنای خاص، جلسه ۱۳، صفات غیرقابل انتقال، بخش ۴، خدا تغییرناپذیر و بزرگ است

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

این دکتر رابرت پترسون و آموزه‌های او در مورد الهیات به معنای واقعی کلمه یا خدا است. این جلسه ۱۳، صفات غیرقابل انتقال، بخش ۴ است. خدا تغییرناپذیر و بزرگ است.

به مطالعات ما در مورد دکترین خدا یا الهیات به معنای واقعی کلمه خوش آمدید.

بباید قبل از هر کار دیگری دعا کنیم. پدر مهربان، از تو سپاسگزاریم که صلاح دیدی خود را در کلام مقدست به ما آشکار کنی تا تو را بشناسیم، تو را دوست داشته باشیم و به تو خدمت کنیم. ما دعا می‌کنیم که به ما پیاموری. ما را در جایی که به آن نیاز داریم اصلاح کن. ما را به زندگی برای تو تشویق کن، از طریق عیسی مسیح، واسطه، درخواست می‌کنیم. آمین.

ما در حال تکمیل صفات به اصطلاح غیرقابل انتقال خدا هستیم، صفاتی منحصر به فرد که او با مخلوقاتش به اشتراک نمی‌گذارد. برای مرور، او خدای زنده است، به عنوان یک موجود

، او واحد است، صفت وحدت. خدا روح است، نامتناهی، حاضر در همه جا، حاضر در همه جا، قادر مطلق، قادر مطلق، دانای کل، عالم مطلق، ابدی و حالا دو صفت آخر ما. خدا تغییرناپذیر یا لایتغیر است، و خدا بزرگ است.

منظور ما از تغییرناپذیری یا ثبات، این است که خدا در شخصیت یا ذات خود تغییر نمی‌کند، برخلاف خلقت متغیر خدا. مزمور ۱۰۲:۲۷، نقل قول، شما همان هستید و سال‌های شما هرگز پایان نخواهد یافت. آیاتی که مستقیماً در عبرانیان ۱ به عیسی مسیح اشاره دارند، و در عهد عتیق به طور کلی از خدا سخن می‌گویند.

در نتیجه، آیه بعدی، مزمور ۱۰۲:۲۸ می‌گوید، ما در میان دنیایی متغیر، در امنیت ساکن خواهیم شد. ما در امنیت هستیم زیرا خدا استوار و محکم است. اگرچه ما علیه او شورش کنیم، خدا همچنان صخره استوار ما باقی می‌ماند.

در میان سخنانی که اسرائیل را به دلیل نافرمانی محکوم می‌کند، خداوند می‌گوید، نقل قول، زیرا من، خداوند تغییر نکرده‌ام، شما فرزندان یعقوب نبود نشده‌اید، ملاکی ۳ و ۶. این یکی از متون کلیدی برای تغییرناپذیری است. بنابراین، باید کمی به آن نگاه کنیم تا مطمئن شویم که زمینه را درک می‌کنیم زیرا زمینه پادشاه است.

کتاب «مارپیچ هرمنوتیکی» اثر گریت آزیورن، انصافاً کتاب تأثیرگذاری بود. او به جای باتلاق هرمنوتیکی لیبرال، مارپیچ هرمنوتیکی را آموزش می‌دهد که در آن ما به درک دقیق یک متن نزدیک‌تر و نزدیک‌تر می‌شویم. او هدفی با دایره‌های متحدالمركز دارد که از مرکز دایره به سمت بیرون امتداد دارند.

و این روش خوبی برای نشان دادن اهمیت بافت ادبی است. در این مورد، هدف، ملاکی ۳: ۶ است. پله بعدی که دایره‌ها را بزرگ می‌کند، ملاکی ۲: ۱۷ تا ۳۶ یا ۳: ۵، آیات کمی قبل از آن و غیره است. پله بعدی می‌تواند ملاکی ۳ باشد. پله بعدی می‌تواند کتاب ملاکی باشد.

بعدی می‌تواند پیامبران کوچک باشد. بعدی می‌تواند انبیاء باشد. بعدی می‌تواند عهد عتیق باشد.

آخرین پله، کل کتاب مقدس است، آخرین حلقه. این بخشی از متن ملاکی ۳:۶ است. اما، همانطور که آزیورن، که اکنون نزد خداوند است، به خوبی نشان می‌دهد، هر چه دایره کوچکتر باشد، برای درک آیه یا آیات مورد نظر، اهمیت فوری‌تری دارد. ملاکی ۱:۳، اینک، من پیام‌آور خود را می‌فرستم، و او راه را پیش روی من آماده خواهد کرد.

این یحیی تعمید دهنده است. و خداوندی که شما به دنبالش هستید، ناگهان به معبد خود خواهد آمد. این عیسی است.

و رسول عهدی که شما از او سرور هستید. اینک، او می‌آید، می‌گوید خداوند لشکرها. اما کیست که روز آمدن او را تاب آورد؟ و کیست که بتواند در هنگام ظهور او بایستد؟ زیرا او مانند آتش قالگر و مانند صابون گازر است.

او همچون پالاینده و خالص‌کننده نقره خواهد نشست. و بنی‌لوی را پاک و خالص خواهد ساخت، مانند طلا و نقره. و ایشان هدایایی نیکو برای خداوند خواهند آورد.

آنگاه هدایای یهودا و اورشلیم، مانند ایام قدیم و مانند سال‌های پیشین، مورد پسند خداوند خواهد بود. آنگاه، برای داوری به شما نزدیک خواهم شد. من به سرعت علیه جادوگران، علیه زناکاران، علیه کسانی که قسم دروغ می‌خورند، علیه کسانی که به کارگر مزدور در دستمزدش ظلم می‌کنند، علیه بیوه زنان و یتیمان، علیه کسانی که غریب را طرد می‌کنند، شهادت خواهم داد.

و از من مترسید، خداوند لشکرها می‌گوید. سپس، آیه ششم را داریم. زیرا من، خداوند، تغییر نمی‌کنم.

بنابراین، شما، ای بنی‌اسرائیل، نابود نمی‌شوید. در غیر این صورت، آنها نابود می‌شدند. این استحکام عهد خدا، وفاداری او به عهد و شخصیت تغییرناپذیر او در تعهد به قومش است که حتی مسئول ادامه حیات آنهاست.

از روزگار پدرانتان، از فرایض من سرپیچی کرده‌اید و آنها را نگاه نداشته‌اید. خداوند لشکرها می‌گوید: به سوی من بازگردید و من به سوی شما بازخواهم گشت. می‌توانستم در آیات بعدی به ادامه‌ی مطلب بپردازم.

این در حوزه بخشش است. آنها خدا را فریب می‌دهند و او آنها را به خاطر این کار بازخواست می‌کند. شخصیت تغییرناپذیر خداوند، اساس تعهد وفادارانه او به قومش است.

خدا پایدار است. تصاویری از خدا که به تغییرناپذیری او مربوط می‌شوند عبارتند از صخره، مزمور ۶۲، آیات یک و دو، و پدر نورها، یعقوب ۱:۱۷. این یکی دیگر است؛ این هم یک متن کلیدی دیگر است، و ما باید به آن نگاه کنیم.

یعقوب ۱:۱۲، مردی را که در آزمایش‌ها پایدار می‌ماند، برکت می‌دهد. به عبارت دیگر، او شخصیت خدا را منعکس می‌کند. زیرا وقتی از آزمایش سربلند بیرون آمد، تاج حیاتی را که خدا به دوستداران خود وعده داده است، دریافت خواهد کرد.

هیچ‌کس وقتی وسوسه می‌شود، نگوید: «من توسط خدا وسوسه می‌شوم، زیرا خدا نمی‌تواند با بدی وسوسه شود و خودش کسی را وسوسه نمی‌کند.» بلکه هر کس وقتی وسوسه می‌شود که با میل و هوس خودش فریب بخورد. این زبانی است که گناه را به وجود می‌آورد.

این زبان مادری است. و گناه، وقتی به طور کامل رشد کند، مرگ را به ارمغان می‌آورد. این یک پسرقت از نظر تصویر زنانه است، یک شخصیت‌مند، و البته این چیزها شخصیت‌مند هستند.

در کتاب مقدس، «میل» لزوماً کلمه بدی نیست، لزوماً به معنای گناه نیست، اما در اینجا به معنای یک میل قوی است. وقتی باردار می‌شود، گناه را به دنیا می‌آورد. منظور این است که مادر، میل است.

برخی از ترجمه‌ها، شهوت، که کلمه‌ای گسترده‌تر از میل جنسی است. و باز هم، میل جنسی خوب وجود دارد و میل جنسی نامشروع نیز وجود دارد. میل خوب به طور کلی و میل بد به طور کلی وجود دارد، که در همه حوزه‌های مختلف اعمال می‌شود.

اما به اصطلاح، میل مادر، در این مورد، میل شیطانی، گناه را به دنیا می‌آورد. میل شیطانی که به آن تن داده شود، گناه را به بار می‌آورد. و گناه نیز مؤنث است.

او بزرگ می‌شود، آبستن می‌شود، مرگ را به دنیا می‌آورد. چه تصویری. هوس، وقتی آبستن می‌شود، گناه را به دنیا می‌آورد.

و گناه، وقتی به طور کامل رشد کند، مرگ را به بار می‌آورد. صرفاً یک استعاره، صرفاً یک تصویر. اما به طور قدرتمندی نشان می‌دهد که امیال شیطانی که به آنها داده می‌شود، گناه و معصیت علیه خداوند را به بار می‌آورد، و اگر در همان زمینه پافشاری کنیم، می‌توانند به مرگ منجر شوند، و دوستی با خدا را از بین ببرند، و در مورد کافران، البته، مرگ ابدی، جدایی ابدی از خدا.

برادران عزیزم، فریب نخورید. خدا وسوسه نمی‌کند، او وسوسه نمی‌شود و وسوسه نمی‌کند. وسوسه از درون می‌آید.

بعداً در یعقوب، او می‌گوید که وسوسه از جانب شیطان است. اما این در اینجا مناسب نیست. زیرا این احتمال وجود دارد که شیطان مرا به انجام این کار وادار کرده باشد و از مسئولیت شخصی‌شانه خالی کند.

نکته‌ی او این نیست. آیا او یک الهیات کامل در مورد ترغیب به گناه ارائه می‌دهد؟ البته که نه. کتاب مقدس تقریباً هرگز الهیات کاملی از هیچ چیز را در یک جا ارائه نمی‌دهد.

چون کم و بیش این یک سند گاه به گاه است، و اینجا او چیزهای خاصی را مطرح می‌کند، با ثروتمندان و فقیرای مخاطبانش، و بنابراین، ثروتمندان و فقرا، و افراد بسیار فقیر مخاطبانش، و غیره. فریب نخورید. خدا شما را وسوسه نمی‌کند.

وسوسه از درون می‌آید. برادران عزیزم، تا حدودی، این کاری است که خدا انجام می‌دهد. هر موهبت نیکو و هر عطای کامل از بالا می‌آید، از جانب پدر نورها، خالق کرات آسمانی، ستارگان؛ امروز، ما کهکشان‌ها را می‌گوییم؛ آنها در آن زمان تلسکوپ هابل نداشتند.

خداوند خالق بزرگ نورها است. و آنها حرکت می‌کنند و سایه ایجاد می‌کنند، اما او به آن معنا حرکت نمی‌کند. و سایه‌هایی که از او ناشی می‌شوند و تغییر می‌کنند یا جابه‌جا می‌شوند، ایجاد نمی‌کند.

هر موهبت نیکو و کامل از بالا و از جانب پدر نورها نازل می‌شود، که در او هیچ تغییر یا سایه‌ای ناشی از تغییر وجود ندارد. و این نمونه‌ای از مواهب نیکویی است که خدا می‌دهد. او به اراده خود، ما را به وسیله کلام حق آفرید تا ما نوعی نویر مخلوقات او باشیم.

این آموزه‌ی تجدید حیات است، و در اینجا به اراده‌ی پدر نسبت داده می‌شود، همانطور که در اول پطرس می‌بینیم، جایی که رحمت‌های پدر است که پشت زندگی جدید ما قرار دارد. این کاری است که خدا انجام ۱:۳ می‌دهد. او هدایای خوب و کامل می‌دهد.

برای مثال، حیات تازه. مردمی که در گناهان و خطاهای خود مرده بودند، دوباره متولد می‌شوند. تا نوبر باشند.

به نظر می‌رسد در اینجا منظور چیزی شبیه به این باشد که آنها ممکن است به خاطر سپاسگزاری از فیض حاکمانه‌ی خداوند که آنها را احیا می‌کند، به او وفادار باشند. شخصیت تغییرناپذیر خداوند اساس تعهد وفادارانه‌ی او به قومش است. خداوند پایدار است.

منظور ما از تغییرناپذیر یا بی‌تغییر همین است. البته، او به طرقی تغییر می‌کند، زیرا او یک شخص است و در لحظه‌ای واجد شرایط خواهد شد. اما فعلاً، و فقط برای تکرار، تصاویری از خدا که مربوط به تغییرناپذیر بودن اوست شامل یک صخره، زمزمور ۶۲: ۱ و ۲، و او پدر نورها، یعقوب ۱:۱۷ است، که برخلاف آنها حرکت نمی‌کند یا سایه‌های متغیر نمی‌اندازد، اگر بخواهید.

در حالی که شخصیت خدا ثابت می‌ماند، او همچنین یک موجود شخصی است که از طریق عهد و پیمان با ما وارد یک رابطه رسمی می‌شود. عهد و پیمان همین است. این یک ضمانت، یک علامت، یک مهر و موم از یک رابطه شخصی بین خدا و قومش است.

«من عهد خود را که میان من و تو و فرزندان آینده‌ات در نسل‌های ایشان است، استوار خواهم داشت» (پیدایش ۱۷:۷) (این عهدی دائمی است که خدای تو و خدای فرزندان تو پس از تو باشم،) پیدایش ۱۷:۷) عهد ابراهیمی پایه و اساس عهد موسی بود، و اگرچه یهودیان عهد موسی را از متن فیض و ایمان عهد ابراهیمی بیرون کشیدند، همانطور که پولس در غلاطیان ۳ انتقاد می‌کند، اما این قصد خدا نبود. و در واقع، عهد جدید، که در ارمیا ۳۱ پیش‌بینی شده و در عیسی تحقق یافته است، تحقق عهد ابراهیمی است. بنابراین سخنان خدا به ابراهیم، به واسطه بسط و شمول ما در عهد جدید ابراهیمی، اگر بخواهید، سخنانی برای ما هستند.

خدا در ذات خود تغییر نمی‌کند، و او واقعاً با ما ارتباط برقرار می‌کند. او به دعا‌های ما پاسخ می‌دهد، خواهان ستایش ماست، و وقتی او را دوست داریم و از او اطاعت می‌کنیم، خوشحال می‌شود. آیا این تغییرناپذیری او را نقض می‌کند؟ وای، وای، وای.

نقض می‌کنید؟ درباره چه چیزی صحبت می‌کنید؟ این ویژگی‌ها، مانند تمام الهیات مسیحی، تلاشی انسانی برای فهم کلام خداست. ما خدا را در قبال الهیات خود پاسخگو نمی‌دانیم. ما تمام تلاش خود را می‌کنیم تا آموزه‌های کلام او را از تفسیر کلامش، که در وحی تدریجی و غیره در نظر گرفته شده است، استخراج کنیم.

و خدا می‌گوید که او هم در ملاکی ۳ و هم در یعقوب ۱ تغییر نمی‌کند. پس باشد که چنین باشد. اما بیابید به او اجازه دهیم تا به ما بگوید که چگونه تغییر نمی‌کند و چگونه تغییر می‌کند، که البته به یک معنا نیست. در واقع، این زمینه مناسبی برای پرداختن به اصطلاح مشکل توبه خدا است.

ترجمه کینگ جیمز به درستی دو متن را که توبه خدا را انکار می‌کنند، ترجمه می‌کند. اعداد ۱۹: ۲۳، اول سموئیل ۱۵: ۲۹. اعداد ۱۹: ۲۳، اول سموئیل ۱۵: ۲۹.

من آن را می‌خوانم تا یکی از آنها را روی میز داشته باشیم. یکی خوب است. یکی واضح است.

بعد از اینکه سموئیل به شائول اعلام می‌کند که خداوند به دلیل خیانت و نافرمانی‌اش، نافرمانی گستاخانه‌اش پادشاهی را از او گرفته و به همسایه‌ای که از تو بهتر است داده است، آن همسایه داوود خواهد بود. اول سموئیل ۱۵:۲۹. و همچنین، جلال اسرائیل

چه راه فوق‌العاده‌ای برای توصیف خدا. دروغ نمی‌گوید و پشیمان نمی‌شود. زیرا او انسانی نیست که پشیمان شود.

ترجمه نشده است و نظر او را تغییر نخواهد داد. اگرچه در آن زمینه ESV متوجه می‌شود که نسخه می‌توانستند این کار را انجام دهند. اما نسخه کینگ جیمز، که به درستی توبه خدا را در اعداد ۲۳:۱۹ و اول سموئیل ۱۵:۲۹ انکار می‌کند

در مورد ثبات ترجمه اعتقادی ندارم، چون حتی به عبارت رو هم ESV الان باید به اون یکی نگاه کنم. من به نباید همیشه به به شکل ترجمه کرد. اعداد

خدا انسان نیست. او، قول من. بالاق

او، حرف من. او مرد واقعی خدا نبود. اما وقتی دهانش را باز کرد، کلام خدا از آن بیرون آمد

برو این یکی را بفهم. خدا انسان نیست و باید دروغ بگوید. یا بنی آدم که نظرش را عوض کند

ای بابا. بالاک را می‌گذارم برای وقتی دیگر. برای بعضی از اساتید عهد عتیق که واقعاً می‌دانند چه کار می‌کنند

نفست بند آمد. همینقدر بگویم که اگر الاغت تو را تنبیه کند، به دردرس می‌افتی. و ظاهراً، او سعی داشت اسرائیل را گمراه کند

او یک پیامبر مزدور بود. و نمی‌توانست چون خدا از طریق او سخن می‌گفت. اما سپس در فصل بعدی پس از بلعام موفق شد

در فصل ۶ از سفر اعداد، او مردم را به فساد جنسی و بت‌پرستی سوق می‌دهد. و به همین دلیل، در یهودا و دوم پطرس، محکوم می‌کند. وقتی گفتند شما راه بلعام را در پیش گرفته‌اید، این چیز خوبی نیست

منظورشان این نیست که خدا از طریق او سخن گفته است. منظورشان این است که شما به سوی هرزگی و شرارت بزرگ می‌روید. بنابراین، نسخه کینگ جیمز متناقض است

خب، در واقع این متن سازگار است، و این منجر به سردرگمی الهیاتی می‌شود. بهتر است بگوییم. دو بار بخش‌هایی را ترجمه می‌کند که توبه خدا را انکار می‌کند

اما برای دیگران اینطور ترجمه می‌شود که او توبه می‌کند. پیدایش ۶:۶ و ۷. من قرار نیست همه اینها را بخوانم. آنها را دو بار می‌خوانم

خروج ۱۴:۳۲ و ۱۲ و ۱۴. داوران ۱۸:۲

اول سموئیل ۱۱:۱۵ و ۳۵. یونس ۳:۱۰. یونس ۴:۲. یک بار دیگر

ترجمه کینگ جیمز ترجمه خوبی بود که توسط مردان خداشناس انجام شده بود. بیش از ۴۰۰ سال پیش. و باید دوران خودش را می گذراند.

با این حال، بیش از حد زیبا بود. و تا به امروز نیز پابرجا مانده است. و به دو دلیل، من مسیحیان را تشویق می کنم که از یک ترجمه انجیلی معاصر از کتاب مقدس استفاده کنند.

مورد علاقه شخصی من. به دو دلیل. NASB، NIV، ESV.

اولاً. اصل اصلاحات این است که مسیحیان به کلام خدا به زبان خودشان نیاز دارند. ما به زبان انگلیسی ۴۰۰ سال پیش صحبت نمی کنیم.

اوه، اما یک کینگ جیمز جدید وجود دارد. کاش کینگ جیمز جدیدی وجود نداشت. ما به ترجمه های تازه در هر فرهنگی نیاز داریم.

هر، نمی دانم، دو نسل؟ شاید هم یکی. ثانیاً، و مهم تر از آن، قدیمی ترین و بهترین نسخه های خطی عهد جدید در اوایل قرن بیستم کشف شدند. ۳۰۰ سال پس از انجام نسخه شاه جیمز در سال ۱۶۱۱

زیباست. هنوز هم پرفروش بود. کاش اینطور نبود.

مارتین لوتر به نام ارتباط، زمان زیادی را صرف ترجمه کتاب مقدس به آلمانی کرد. و آن داستان دیگری است. چه شخصیتی.

حتی امروز در کتاب مقدس عبری، در عهد عتیق، گفته می شود که معنای عبری این کلمه نامشخص است. نوعی خرگوش صحرایی. خرگوش یا نوع دیگری از حیوان.

لوتر هیچ ایده ای نداشت که آنها چه هستند. بنابراین، او فقط حیوانات آلمانی را در آنجا قرار داد. زیرا کتاب مقدس باید ارتباط برقرار می کرد.

وای. پسرعموی کالوین، اولیویه تان، کتاب مقدس را به فرانسوی ترجمه کرد. چرا؟ آنها کتاب مقدس را به زبان مردم می خواستند.

برای حفظ آن به زبان لاتین، که حتی ترنت هم گفته بود کلام الهام شده ی خداست، نه عبری و یونانی. دوباره نفس نفس زد.

به هر حال، و مهم تر از آن، به این دلیل که مهم ترین نسخه های خطی عهد جدید در قرن بیستم کشف شدند. ترجمه کینگ جیمز اشتباه می کند وقتی می گوید خدا یک بار دیگر توبه می کند، پیدایش ۶:۶ و ۷، خروج و ۱۴، داوران ۲:۱۸، اول سموئیل ۱۵:۱۱ و ۳۵، یونس ۳:۱۰ و ۴:۲. این متون و متون مشابه را باید ۳۲:۱۲ در پرتو تأیید روشن کتاب مقدس از شخصیت پایدار خدا به عنوان بیانی از ارتباط واقعی او با قومش درک کرد. برای اطلاعات بیشتر در مورد خدا به عنوان یکتا، برای اطلاعات بیشتر در مورد خدا به عنوان تغییرناپذیر اما پاسخگو به انسان ها در طول زمان، به جان فریم، *دکترین خدا*، صفحات ۵۴۳ تا ۵۷۵ مراجعه کنید.

یک بررسی مفصل و خوب برای کسانی که آن را می‌خواهند. قاب، *دکترین خدا*، ۵۴۳ تا ۵۷۵. ترجمه‌های مدرن این قسمت‌ها را بهتر همانطور که کتاب مقدس استاندارد مسیحی نشان می‌دهد، ترجمه می‌کنند، مثلاً خداوند پشیمان شد پیدایش ۶، اول سموئیل ۱۵ را به عنوان خداوند پشیمان شد یا خدا پشیمان شد

،خروج ۳۲:۱۲ و ۱۴، یونس ۳:۱۰ یا خداوند دلش به رحم آمد، داوران ۲:۱۸. در هیچ یک از این متون شخصیت یا ذات خدا تغییر نمی‌کند. در هر مورد، خدا همان است که بود

این متون تأکید می‌کنند که خداوند واقعاً به انسان‌ها پاسخگو است. وقتی ما گناه می‌کنیم، او عمیقاً آشفته می‌شود. وقتی ما آسیب می‌بینیم، او واقعاً دلسوز است

به همین ترتیب، وقتی ما به خدا نزدیک می‌شویم، او به ما نزدیک می‌شود، که دقیقاً همان چیزی است که او در ملاکی ۳ پس از بیان عدم تغییر خود گفت. به من نزدیک شوید و من به شما نزدیک خواهم شد. و به همین ترتیب، یعقوب ۴:۸. وقتی دعا می‌کنیم، او به جای ما عمل می‌کند

،یعقوب ۴:۲. یعقوب ۵:۱۳، ۱۸. وقتی به گناه خود اعتراف می‌کنیم، او ما را می‌بخشد. یعقوب ۵:۱۵ تا ۱۶ اول یوحنا ۱:۹. اینکه خدا کیست ثابت می‌ماند، اما اعمال خدا نسبت به ما تاریخی است و به واکنش‌های ما به او مربوط می‌شود

همانطور که فرانسیس شیفر گفت، و فیلسوفان او را مورد انتقاد قرار دادند، و این منصفانه نیست. او سعی نمی‌کند فیلسوف باشد. خدا، خدای شخصی بی‌نهایت است

در بی‌نهایت بودنش، او تغییر نمی‌کند. در شخصی بودنش، او با قوش از طریق عهد و پیمان ارتباط برقرار می‌کند. و این به معنای دادن و گرفتن است

این به معنای پاسخی از جانب خداست. همانند سایر صفات خدا، کتاب مقدس این ویژگی را به مسیح نسبت می‌دهد. «عیسی مسیح دیروز، امروز و تا ابد همان است.» عبرانیان ۱۳:۸

چنین سخنانی فقط در مورد خدا صادق است و بنابراین به ما یادآوری می‌کند که مسیح الهی است. یعقوب اصرار دارد که خدا نه وسوسه می‌شود و نه دیگران را وسوسه می‌کند. در عوض، امیال شیطانی ما ما را به گناه سوق می‌دهند

او هشدار می‌دهد، برادران و خواهران عزیزم، فریب نخورید. هر موهبت نیکو و کامل از بالاست، از جانب پدر. نورها نازل می‌شود، که مانند سایه‌های متغیر تغییر نمی‌کند. یعقوب ۱:۱۶ و ۱۷

همانطور که قبلاً گفتم، خداوند خالق نورهای آسمانی است. و برخلاف آنها، او تغییر نمی‌کند و دگرگون نمی‌شود. او مانند ماه دارای فاز نیست

او ذاتاً پایدار است. او همیشه خوب است. و برخلاف الهیات جنگ ستارگان، اگر قرار بود خداشناسی آموزش داده شود، خدا هیچ جنبه تاریکی ندارد

برخلاف نیرو. ثبات شخصیت خداوند به ما امنیت زیادی می‌دهد. زمزمور ۱۰۲، آیه ۲۷

ما از جایی که شروع کردیم، به پایان می‌رسیم. مزامیر باشکوه هستند. نیکویی بخشنده

کتاب مقدس فوق‌العاده است. مزمور ۱۰۲:۲۷. بگذارید با آیه ۲۵ شروع کنم.

ای خداوند، تو از قدیم زمین را بنا نهادی و آسمان‌ها ساخته‌ی دست تو هستند. این عبارات در عبرانیان ۱ مستقیماً به عیسی و یعقوب نقل شده و به کار رفته‌اند. آسمان‌ها و زمین از بین خواهند رفت، اما تو باقی خواهی ماند. همه آنها مانند جامه‌ای کهنه خواهند شد.

آنها را مانند ردایی تغییر خواهی داد و آنها از بین خواهند رفت، اما تو همان هستی و سال‌های تو پایانی ندارد. فرزندان بندگان در امنیت ساکن خواهند شد. بنابراین، این حس است.

نسل آنها در برابر تو پایدار خواهد ماند. برخلاف ما، خدا بی‌ثبات نیست و ما همیشه می‌توانیم به او تکیه کنیم. من عاشق این تصویر عهد عتیق هستم.

او صخره ماست. مزمور نویسی می‌گوید: «صخره ایشان مانند صخره ما نیست.» در مورد سایر ملت‌ها، یعنی بت‌پرستان، صحبت می‌کند.

ملت‌های بت‌پرست. بله. صخره ما خدای زنده و حقیقی است که با قوم خود پیمان می‌بندد و چون او تغییر نمی‌کند، آنها نابود نمی‌شوند.

تغییرناپذیری خدا، زیربنای انجیل است. انجیل پیام است. آیا ممکن است کسی به این سخنرانی‌ها گوش دهد و مسیح را نشناسد؟ این کاملاً ممکن است.

انجیل پیامی است مبنی بر اینکه خدا گناهکاران را دوست دارد. او، او، او مقدس است. و اگر به حضور او بیایم، همانطور که این نورها به دستان من برخورد می‌کنند، همه ما باید در نور او اعتراف کنیم؛ خدا نور است، اول یوحنا ۱، و در او هیچ تاریکی وجود ندارد.

ما در ذهن، زبان و اعمال خود به گناهان محکوم شده‌ایم. اگر بخواهید، این گناهان بر دست‌هایمان نیز بار شده است. خبر خوب این است که خدا جهان را دوست داشت و پسرش را فرستاد تا نجات‌دهنده‌ی هر کسی باشد که به او به عنوان خداوند و نجات‌دهنده اعتماد کند.

زیرا خدا جهان را آنقدر محبت کرد، یوحنا ۱۶:۳، که پسر بی‌نظیر خود را فرستاد تا هر که به او ایمان آورد، حیات جاودان یابد و هلاک نشود. خدا محبت خود را به ما در این آیه نشان می‌دهد، رومیان ۵:۸. در حالی که ما هنوز گناهکار بودیم، مسیح برای ما مرد. ما نمی‌توانیم خود را نجات دهیم.

مسیح تنها ناجی بشریت است. او آزادانه خود را به ما تقدیم می‌کند. ای تمام زحمتکشان و گرانباران، نزد من آید و من به شما آرامش خواهم داد.

بنابراین، اگر این نوارهای ویدیویی از آموزه‌های خدا را تماشا می‌کنید، شما را تشویق می‌کنیم که به خداوند عیسی مسیح ایمان بیاورید و نجات یابید. از تلاش‌های خودتان برای خشنود کردن خدا ناامید شوید. این نه تنها مسخره و غیرممکن است، بلکه توهین‌آمیز است.

آیه آخر در غلاطیان ۲ می‌گوید، اگر پارسایی از شریعت می‌آید، پس عیسی بیهوده مرد. اگر می‌توانستیم با پارسایی خود لطف خدا را به دست آوریم، به مسیح بر روی صلیب و از قبر خالی نیازی نداشتیم. همه به مسیح نیاز دارند.

تو هم مثل بقیه‌ی ما گناهکاری، و باید به او به عنوان جایگزین خودت ایمان بیاوری و اعتماد کنی تا نجات پیدا کنی. شخصیت تغییرناپذیر خدا، زیربنای انجیل است. این همان چیزی است که منجر به آن موعظه شد.

ما از رستگاری نهایی بهره‌مند خواهیم شد زیرا پروردگار تغییرناپذیر ما وعده داده است و از کلام خود برنمی‌گردد. به نقل از عبرانیان ۶:۱۸ و ۱۹. از طریق دو چیز تغییرناپذیر، وعده و سوگند خدا، این امید را به عنوان لنگری برای روح، محکم و ایمن داریم.

عبرانیان ۶:۱۶ تا ۱۸. خدا ما را نجات می‌دهد، خدا ما را حفظ می‌کند. بله، ما باید وفادار بمانیم، اما اساس نهایی نجات و حفظ ما، ایمان ما نیست.

خوشبختانه، همانطور که ممکن است قبلاً حدس زده باشید، این شخصیت تغییرناپذیر خداست که به طور ارگانیک با وفاداری او مرتبط است. می‌توانید آنها را در یک ویژگی ترکیب کنید. هیچ راه واحدی برای سازماندهی یا حتی فهرست کردن ویژگی‌ها وجود ندارد.

راه‌های زیادی وجود دارد. ما یکی را انتخاب کرده‌ایم. آخرین ویژگی غیرقابل انتقال خدا که اغلب مورد غفلت قرار می‌گیرد، اما نباید اینطور باشد.

خدا بزرگ است. باز هم، به طور پیمانی، خدای ما بزرگ است. خدا نیز بزرگ است، به این معنی که خدا از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و فراتر از هر مقایسه‌ای است.

عظمت او بی‌نهایت است. او تنها والا و متعال است و هیچ‌کس مانند او نیست. همانطور که سرود موسی، اعلام می‌کند، خروج ۱۵:۱۱، پس از خروج و غرق کردن بنی‌اسرائیل در دریای نی، نقل قول می‌کند: «خداوند کیست مانند تو در میان خدایان؟ کیست مانند تو، در قدوسیت جلال یافته، با ستایش‌ها مورد احترام، و معجزات انجام می‌دهد؟» خروج ۱۵:۱۱.

تصاویری از خدا که به عظمت او مربوط می‌شوند شامل اشعیا پادشاه ۲۱:۴۰ تا ۲۴ می‌شود. نمی‌توانم در برابر این مقاومت کنم.

اشعیا ۴۰ باشکوه است. اشعیا ۲۱:۴۰. آیا نمی‌دانید؟ آیا نمی‌شنوید؟ آیا از ابتدا به شما گفته نشده است؟ آیا از بنیان زمین نفهمیده‌اید؟ اوست که بر فراز دایره زمین نشسته است و ساکنانش مانند ملخ‌هایی هستند که آسمان‌ها را مانند پرده‌ای می‌گسترانند و آنها را مانند خیمه‌ای برای سکونت می‌گسترانند، اوست که شاهزادگان را به نیستی می‌افکند و فرمانروایان این زمین را به پوچی تبدیل می‌کند. و اکنون اشعیا فرمانروایان را به دانه یک گیاه تشبیه می‌کند.

هنوز کاشته نشده‌اند، هنوز کاشته نشده‌اند، هنوز ساقه‌هایشان در زمین ریشه ندوانده است که او بر آنها می‌دمد و پژمرده می‌شوند و طوفان آنها را مانند کاه با خود می‌برد. خدا می‌گوید: پس مرا با چه کسی مقایسه می‌کنید تا مانند او باشم، آن قدوس می‌گوید. و همینطور ادامه می‌دهد، یک تصویر را روی تصویر دیگر از عظمت خدا و مجموعه‌ای از ویژگی‌های در هم تنیده، که دقیقاً همان چیزی است که کتاب مقدس می‌گوید.

تصاویری که از عظمت خدا سخن می‌گویند شامل تصویر سلطنتی او، خدا پادشاه است، می‌شود. این صفت بر منحصر به فرد بودن خداوند تأکید دارد، به ویژه در برابر خدایان به اصطلاح ملت‌ها، موضوعی که قبلاً به آن پرداختیم و فقط بت‌ها هستند. خداوند، در میان خدایان کسی مانند تو نیست و هیچ کاری مانند تو نیست.»

ای خداوند، تمام ملت‌هایی که آفریده‌ای، خواهند آمد و در برابر تو سر تعظیم فرود خواهند آورد و نام تو را گرامی خواهند داشت. زیرا تو بزرگی و معجزات آشکار داری. تنها تو خدا هستی.

مزمور ۸۶:۸ تا ۱۰. همچنین به ۹۶:۳ تا ۵ مراجعه کنید. مزمور ۸۶:۸ تا ۱۰. ۹۶:۳ تا ۵. گاهی اوقات، کتاب مقدس عبارات مربوط به عظمت خدا را با صفات دیگر ترکیب می‌کند.

عبارات زیر به ترتیب این کار را برای حاکمیت، وفاداری و قدرت او انجام می‌دهند. بنابراین، معمولاً کتاب مقدس صفات خدا را جدا نمی‌کند. این صفات خداست، کتاب مقدس، دوست دارم بگویم، یک کتاب مصور است، اما اول از همه، یک کتاب داستان است.

این داستان واقعی خدا از خلقت، هبوط، رستگاری و کمال یا احیا است. در طول مسیر، در آن زمینه‌ها خلقت، پیدایش ۱ و ۲، هبوط شایسته توجه است، اگرچه این یک فصل از کل کتاب مقدس، پیدایش ۳ است، زیرا تقسیم‌بندی اصلی در کتاب مقدس حتی عهد عتیق و عهد جدید نیست. تقسیم‌بندی اصلی از نظر مفهومی و الهیاتی، قبل و بعد از هبوط است.

سقوط همه چیز را تغییر می‌دهد. رستگاری در پیدایش ۳ با وعده خدا در آیه ۱۵ آغاز می‌شود و تا انتهای کتاب مکاشفه، که در آن به کمال می‌رسیم، ادامه می‌یابد. البته، در طول مسیر، در جاهای مختلف از کمال صحبت شده است، اما مکاشفه، به ویژه ۲۱ و ۲۲، که از آسمانی جدید و زمینی جدید سخن می‌گوید، و ممکن است همانطور که برادران و خواهران پیشاهزاره‌ای ما تأیید می‌کنند، با پادشاهی هزاره قبل از آسمان‌های جدید و زمینی جدید، این همان مکاشفه فصل ۲۰ باشد.

این نکته قابل بحث است و من وقتی به این موضوع می‌پردازم، تمام دیدگاه‌های مختلف هزاره را ارائه می‌دهم که الان این کار را نمی‌کنم. بنابراین، کتاب مقدس صفات خدا را با هم ترکیب می‌کند، و این در مورد آخرین صفت غیرقابل انتقال خدا که ما در حال مطالعه آن هستیم، یعنی عظمت او، نیز صدق می‌کند. مزمور ۱۳۵ و ۶، زیرا می‌دانم که خداوند بزرگ است ۵.

خداوند از همه خدایان بزرگتر است. خداوند هر آنچه را که بخواهد در آسمان و زمین، در دریاها و همه اعماق انجام می‌دهد. مزمور ۱۳۵: ۵ و ۶. نحمیا ۱: ۵، خداوند، خدای آسمان‌ها، خدای بزرگ و با هیبت که به عهد مهربان خود با کسانی که او را دوست دارند و از فرامین او پیروی می‌کنند، وفا می‌کند.

و این جمله، البته، ادامه دارد، اما ما این کار را نخواهیم کرد. نحمیا ۱: ۵. ارمیا ۶: ۱۰ و ۷، خداوند، کسی مانند تو نیست. تو بزرگی.

نام تو عظیم و قدرتمند است. ای پادشاه ملت‌ها، کیست که از تو نترسد؟ این شایسته‌ی توست. زیرا در میان همه خردمندان ملت‌ها و در میان همه ممالک، کسی مانند تو نیست.

ارمیا ۶: ۱۰ و ۷. مزامیر، خدا را به خاطر عظمت نامش، شخصیتش ستایش می‌کند. مزمور ۸: ۱ و ۹. مزمور ۸: ۱ و ۸. مزمور ۹: ۱۳. ۱۴۸: ۱۳.

آنها همچنین او را به خاطر عظمت اعمالش ستایش می‌کنند، همانطور که مزامیر این کار را می‌کنند. به مزمور ۶ تا ۶ گوش دهید. خداوند بزرگ و بسیار ستوده شده است. عظمت او کاوش‌ناپذیر است ۱۴۵: ۳.

نسلی از کارهای تو برای نسل دیگر تعریف خواهد کرد و اعمال عظیم تو را اعلام خواهد نمود. من از شکوه و جلال و عظمت و کارهای شگفت‌انگیز تو سخن خواهم گفت. آنها قدرت اعمال شگفت‌انگیز تو را بیان خواهند کرد و من عظمت تو را بیان خواهم نمود.

مزمور ۱۴۵: ۳ تا ۶. آخرین پاراگراف ما در این سخنرانی این است. عظمت خدا ما را به پرستش او و فقط او سوق می‌دهد. مزمور ۸۶، ۸ تا ۱۰.

مزمور ۹۶: ۳ تا ۵. لوقا ۱. لوقا ۱: ۴۶ تا ۴۸. سخنان مریم مقدس. جان من خداوند را ستایش می‌کند و روحم در خدا، نجات‌دهنده‌ام، شادی می‌کند، زیرا او بر حقارت بنده‌اش نظر داشته است، زیرا از این پس همه نسل‌ها مرا خوشبخت خواهند خواند.

زیرا آن که قادر است، کارهای عظیم برای من انجام داده و نام او مقدس است. عظمت خدا ما را به ترس از او سوق می‌دهد. مزمور ۹۶: ۳ تا ۵. ارمیا ۱۰: ۶ تا ۷. عظمت خدا ما را به تسلیم شدن در برابر دست مقتدر او سوق می‌دهد.

مزمور ۱۳۵: ۵ و ۶. و ما را به اعتماد به عهد و پیمان او هدایت می‌کند. نحمیا ۱: ۵. ما مدام به آن برمی‌گردیم. عظمت خدا همچنین ما را الهام می‌بخشد تا از او به دیگران شهادت دهیم.

مزمور ۱۴۵: ۳ تا ۶. در سخنرانی بعدی، بررسی صفات مشترک خدا را آغاز خواهیم کرد. این صفات، صفات قابل انتقال او هستند.

این دکتر رابرت پترسون و آموزه‌های او در مورد الهیات به معنای واقعی کلمه یا خدا است. این جلسه ۱۳، صفات غیرقابل انتقال، بخش ۴ است. خدا تغییرناپذیر و بزرگ است.